

نهادهای آموزشی مغرب اقصی در عصر بنی مرین

عباس برومند اعلم^۱

رقیه انارکی^۲

چکیده: بنی مرین که دودمانی از قبیله زناته بودند، با غلبه بر موحدون در فاصله سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری در منطقه مغرب اقصی ظهور کردند و در پی پیروزی بر تمامی رقبای خارجی و داخلی در این منطقه به قدرت رسیدند. در نتیجه پیروزی‌های سیاسی بنی مرین، مغرب چند صباحی را در آرامش و ثبات گذرانید و شهرهایش با ساخته شدن مساجد، مدارس، زوایا، کتابخانه‌ها، حمام‌ها، بازارها و غیره به عنوان شهرهای شکوفای اسلامی پدیدار گشتند. عصر مرینیان در مغرب اقصی را می‌توان از درخشان‌ترین دوره‌های فعالیت مدارس مغرب نیز به حساب آورد. این در حالی بود که حمله مغول در نیمه دوم سده هفتم در شرق و ادامه جنگ‌های صلیبی در مصر و شام، باعث اغتشاش و آشفتگی در مراکز علمی، امور دانشمندان و کتابخانه‌ها و به دنبال آن نابسامانی در شرایط آموزشی شرق اسلامی گردیده بود. اما ثبات سیاسی حاصل از حکومت بنی مرین، سبب ادامه درخشش نهادهای آموزشی در این بخش از جهان اسلام شد و مغرب توانست در سایه این دولت سهمی داشته باشد در حفاظت از آنچه از علوم اسلامی باقی مانده بود.

مدارس فاس و دیگر بلاد مغرب نیز به برجسته‌ترین مدارس جهان اسلام، به‌ویژه از لحاظ ارائه امکانات و خدمات اقامت به طلاب، تبدیل شد و مدارس آموزشی توسط سلاطین در شهرهای مغرب، همچون فاس، سبته، تلمسان، تازا، مکناس، بادس، طنجه، سلا، دارالبیضاء، ازمو، مراکش و اغمات، به وجود آمد. در سایه این مراکز بود که فرهنگ مغرب در سده‌های میانه توانست به نشاط علمی دست یابد. به نظر می‌رسد مبانی تعلیم و تربیت مرینی‌ها با تأکید بر مذهب مالکی، و نیز عملکرد امرای مرینی در تأسیس و حمایت مالی از نهادهای آموزشی، در پیدایش فضای مناسب مذکور تأثیر اساسی داشته است.

واژه‌های کلیدی: آموزش در مغرب اقصی، مدرسه، بنی مرین، فاس، مراکش

۱ استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه بین‌المللی امام خمینی aboroomanda@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۶ تاریخ تأیید: ۹۱/۹/۱۱

The Farthest Maghreb's (Moroccan) Educational Institutions in Marinids' Era

Abbas Burumand A'lam¹

Rughayya Anaraki²

Abstract: Marinids, from 7th to 9th centuries emerged in the Farthest Maghreb by overcoming Movahhedoon. They had built the New Fas beside the Old Fas as their state center. By Marinids' political triumphal, Maghreb was in peace and quiet for a while and its cities were flourished among Islamic cities by building new mosques, schools, bazaars, libraries libraries, etc.

Marinids state had done its cultural and scientific affairs alongside its political and military ones. Within this period the greatest scientists and scholars emerged in west Islamic World. We can name here some great people like ibn Khaldun, ibn Khatib, al-Muqri, ibn marzooq. The Fas schools and other Maghreb cities which were built by the Marinids' rulers had become prominent schools in Islamic World. The Qaravieen school which was the base of the oldest Maghreb's schools, became so important in this period. Many educational centers were built by rulers in different cities of the Maghreb. These centers made Maghreb culture getting scientific flourish, and those who were eager gathered there from Islamic Africa.

Keywords: Education in Farthest Maghreb, School, Marinids, Fas, Marocco

1 Assistant Professor of History and Civilization Department, Imam Khomeini International University
aboroomanda@yahoo.com

2 Senior Expert in Culture and Civilization History of Islamic Nations, Qazvin International University

مقدمه

بنی‌مرین که دودمانی از قبیلهٔ زناته بودند، با غلبه بر موحدون در فاصلهٔ سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری در منطقهٔ مغرب اقصی ظهور کردند و پس از پیروزی بر تمامی رقبای خارجی و داخلی، در این منطقه به قدرت رسیدند. بنی‌مرین در کنار شهر فاس، فاس الجدید (مدینه البیضاء) را به عنوان مرکز حکومت خود بنا نهادند. آنان پیوسته با بقایای موحدین، بنو عبدالواد و بنی حفص درگیر بودند و با یاری رساندن به امرای مسلمان غرناطه و شکست دادن مسیحیان افتخارات جدیدی به دست آوردند. در نتیجهٔ پیروزی‌های سیاسی بنی‌مرین، مغرب چند صباحی را در آرامش و ثبات گذرانید و شهرهای مغرب با ساخته‌شدن مساجد، مدارس، زوایا، کتابخانه‌ها، حمام‌ها، بازارها و غیره به عنوان شهرهای شکوفای اسلامی، پدیدار گشتند.

دولت بنی‌مرین در ضمن اقدامات سیاسی و نظامی خود از امور فرهنگی و علمی غافل نبود؛ سلاطین پیوسته با علما هم‌نشینی داشتند و اهل علم را اکرام می‌نمودند. در این دوره بزرگ‌ترین قتها و محدثان و مشهورترین مورخان و علمای نحو و لغت در غرب جهان اسلام ظهور کردند که از نتایج ظهورشان تألیف کتاب‌های مهمی بود که اهل مغرب و مشرق به طور یکسان از آنها بهره بردند. در این زمینه کافی است که از بزرگانی چون ابن‌خلدون، ابن‌خطیب، عبدالعزیز ملزوزی، ابوالحسن الصغیر، ابن‌مرزوق و مقری نام ببریم.

عصر مرینیان در مغرب اقصی را می‌توان از درخشان‌ترین دوره‌های فعالیت مدارس مغرب نیز به حساب آورد. مبالغه نیست اگر بگوییم در این دوره همهٔ شهرهای مغرب مراکزی برای جذب طلاب و تشنگان معرفت بود؛ چرا که در تمامی آنها از شمال تا دورترین نقطهٔ جنوب، حلقه‌هایی در مساجد و مدارس، چه در شهرها و چه در روستاها، مشاهده می‌شد. این در حالی بود که حملهٔ مغول در نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم در شرق، و ادامهٔ جنگ‌های صلیبی در مصر و شام، باعث اغتشاش و آشفتگی در مراکز علمی، وضع دانشمندان و کتابخانه‌ها و به دنبال آن نابسامانی در شرایط آموزشی شرق اسلامی گردیده بود. اما ثبات سیاسی حاصل از حکومت دولت بنی‌مرین، سبب ادامهٔ درخشش نهادهای آموزشی در این بخش از جهان اسلام گردید و مغرب در سایهٔ این دولت توانست در حفظ آنچه از علوم اسلامی باقی مانده بود، سهمی داشته باشد. از سوی دیگر مرینیان سعی داشتند که قلمرو خود را نه تنها با علمای مغرب اقصی، بلکه با علمای مغرب ادنی و اوسط نیز مزین کنند، تا مشروعیت فرهنگی و فکری لازم را به دست آورند. لذا موضوع مهاجرت علما به فاس در این دوره، نسبت به دوره‌های قبل، شدت بیشتری

گرفت، به ویژه این که شمار بسیاری از علمای اندلس نیز در این دوران که دوران سقوط تدریجی اندلس بود، وارد مغرب شدند و حوزه جدیدی از فرهنگ و تمدن اسلامی را در مغرب را پدید آوردند. این حضور گسترده نیز به توسعه نهضت مدرسه‌سازی کمک کرد.

به نظر می‌رسد مبانی تعلیم و تربیت مرینی‌ها با تأکید بر مذهب مالکی، و نیز عملکرد امرای مرینی در تأسیس و حمایت مالی از نهادهای آموزشی، در پیدایش فضای مناسب مذکور در سده هفتم و هشتم هجری قمری مسئله‌ای شایان تأمل و بررسی است. مهم‌ترین پرسش‌هایی که می‌تواند در این پژوهش به بررسی بهتر ابعاد مسئله مورد نظر کمک کنند، به قرار زیرند: ۱. رویکردهای علمی - آموزشی امرای مرینی در نظام تعلیم و تربیت مغرب اقصی چه تأثیراتی داشت؟ ۲. مهم‌ترین نهادهای تعلیم و تربیت در عهد بنی‌مرین چه نهادهایی بودند؟ ۳. علل شکوفایی نهادهای آموزشی در این دوره چه بود؟

پیشینه ساخت مدرسه در مغرب

آموزش عالی در مغرب در دو مرکز فاس و مراکش برپا بود. جامع قرویین فاس مهد طلاب سرزمین‌های شمالی مغرب، و جامع یوسفیه مراکش مهد علم طلاب جنوب مغرب محسوب می‌شد. فاس موطنی برای علوم شرعی و لغوی به حساب می‌آمد، به گونه‌ای که این شهر را دارالفقه مغرب توصیف کرده‌اند.^۱ از آنجا که فاس مرکز طلاب و اساتید داخل و خارج مغرب شمرده می‌شد، مرکزیت سیاسی و اقتصادی نیز یافته بود.^۲ تا این زمان نهادهای آموزشی و مراکز علمی، یعنی جاهایی که در آن‌ها به طور خاص به آموزش و تدریس می‌پرداختند، غالباً به صورت مکتب‌های قرآنی، مساجد جامع و زاویه جلوه‌گر می‌شدند. مکتب‌های قرآنی مانند مدارس ابتدایی، و زاویه‌ها به مثابه دبیرستان‌های امروزی بودند. علاوه بر این‌ها، مراکز عالی نیز وجود داشت که جامع قرویین مهم‌ترین مرکز در میان آن‌ها بود و مکانی برای تعلیم دانشمندان بزرگ به شمار می‌آمد و مراکز دیگر به عنوان فروع الحاقی‌اش محسوب می‌شدند.

اما اکثر منابع متفق‌اند که مدرسه به مفهوم جدید آن ظاهراً از دوران بنی‌مرین در مغرب

۱ محمد المنونی (بی‌تا)، *ورقات عن حضارة المرینین*، رباط: نشر كلية الآداب و العلوم الانسانية مملكة المغربية جامعة محمد الخامس، ص ۲۱۱.

۲ حسن السائح (۱۹۶۹م)، «الفکر المغربي فی عصر بنی‌مرین»، *مجلة دعوة الحق*، مجلة شهریه تعنی بالدراسات الاسلامیه و بشؤون الثقافة و الفكر، رباط: وزارت عموم الاوقاف، س ۱۲، ش ۸-۹، ص ۱۴.

۳ محمد لواح (۱۴۱۲ق)، «مراکز التعلیم فی عهد بنی‌مرین»، *مجلة قرآن و حدیث*، دارالحدیث الحسینیه، ش ۹، ص ۴۴۳.

فراگیر شده است. سلطان یعقوب بن عبدالحق مرینی نخستین امیر بنی‌مرین بود که دست به تأسیس مدارس زد. پس از این سلطان، اقدامات و کارهای ارزنده‌ی وی مورد تقلید فرزندان او قرار گرفت و آنان نیز به نوبه‌ی خود در سطحی گسترده اقدام به تأسیس مدارس علمی کردند و موقوفات پر بهره‌ای به آن‌ها اختصاص دادند و برای طلاب حقوق و مستمری کافی در نظر گرفتند.^۱

ابن مرزوق در مسندش آورده است که ساخت مدارس در مغرب تا زمان ابویوسف یعقوب - بن عبدالحق مرینی رایج نبود و او نخستین مدرسه را به نام مدرسه حفاوین در شهر فاس بنا کرد.^۲ همچنین در مورد ساخت مدرسه حفاوین می‌گویند: ابویوسف مدرسه‌ای در فاس مقابل جامع قرویین ساخت. این برای مغربیان امر آشنایی نبود و از ساختن آن چیزی نمی‌دانستند.^۳ ابن - القاضی نیز می‌گوید: مفضل بن محمد بن دلایب العذری المری، قاضی فاس، بر ساخت آن اشراف داشته و اضافه می‌کند که «او نخستین کسی است که سنت بنای مدرسه را در شهر فاس وضع کرد».^۴ البته از ابن مرزوق در این باره انتقاد شده و برخی مدارک تاریخی نشان می‌دهند که فکر تأسیس مدارس، منسوب به مرینی‌ها نیست؛ بلکه پیش از آن‌ها وجود داشته و شاید نخستین مدرسه‌ای که در مغرب بنا شده است به سده پنجم و به اجاج بن زلو اللطی برگردد، که شاگرد ابوعمران فاسی در زمان مرابطین بود. وی برای طلب علم به شهر سوس اقصی رفته بود.^۵

همچنین در ضمن بعضی کتاب‌های تراجم مطالبی آمده است که گزارش فوق را تأیید می‌کند؛ مثلاً درباره‌ی علامه ابوزید الهزمیری که او را برای دفن به فاس منتقل کرده بودند، نقل شده که در نزدیک مسجد صابرین که اکنون معروف به روضه سید ابومدین است، در قدیم مدرسه‌ای بوده،^۶ و اضافه می‌کند که این مدرسه در قدیم مدرسه صابرین و مرابطین لمتونیه نام داشته، به سبب آن که یوسف بن تاشفین، پس از ورود به شهر فاس در سال ۴۶۲ هـ ق / ۱۰۹۶ م آن را ساخته

۱ عباس بن ابراهیم التعارجی السلاوی (۱۹۹۳ م)، *الاعلام بمن حل مراکش و اغمات من اعلام*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، ج ۲، الرباط: المطبعة الملكية، ج ۲، صص ۳۱-۳۲.

۲ محمد بن احمد بن محمد بن مرزوق (۱۹۸۱ م)، *المسند الصحیح الحسن فی مآثر مولانا ابوالحسن*، تحقیق ماریا خبوس بیغیرا، مراجعه محمود ابوعباد، الجزائر: الشركة الوطنیه للنشر و التوزیع، ص ۴۰۵.

۳ المنونی، همان، ص ۲۰۹.

۴ احمد بن محمد المکناسی بن القاضی (۱۹۷۳ م)، *جدوة الاقتباس فی ذکر من حل من اعلام مدینة فاس*، ج ۱، رباط: دار المنصور للطباعة و الوراقه، ص ۳۳۹.

۵ عبدالعزیز بن عبدالله (۱۹۶۹ م)، «تاریخ تعلیم الاسلامی»، *مجلة دعوة الحق*، س ۴، ش ۱، صص ۵۳-۵۸.

۶ عبدالهادی التازی (۱۹۷۳ م)، *جامع القرویین المسجد و الجامعة بمدینة فاس*، ج ۱، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ج ۱، صص ۱۲۱-۱۲۲.

است.^۱ بعضی دست نوشته‌های مجهول المؤلف نیز همگی تأیید می‌کنند که مدرسه مذکور به همت مرابطن ساخته شده و بعد از سقوط آنان، هنگامی که موحدون در سال ۵۴۰ هـ ق/ ۱۱۴۵ م به این شهر آمدند، شاگردان این مدرسه نخستین کسانی بودند که در برابر آنان مقاومت و شورش کردند و پایداری زیادی از خود نشان دادند و در نهایت، پس از محاصره‌های طولانی، موحدون موفق شدند و شمار زیادی از آنها را کشتند. لذا این مدرسه بعد از این به نام مدرسه صابرین معروف شد.^۲ بقایای این مدرسه در جایی است که به نام حومه الکغاطی معروف بود.^۳ همچنین اسناد وقفی قدیمی دلالت روشنی است بر این که بر مدرسه مذکور وقفیات زیادی شده است.^۴

علاوه بر این، بعضی مصادر تاریخی شماری از مدارس را به عصر موحدون نسبت داده^۵ و ثابت کرده‌اند که در این دوران مدرسی در مغرب ساخته شد. از جمله آن‌ها مدرسی بود که در شهر سبته و طنجه و فاس و مراکش ساخته شد و مدرسان متخصص آن‌ها بر علمای قرطبه و اشبیلیه و غرناطه سبقت گرفتند.^۶ ابن ابی زرع در این باره می‌گوید: ابویوسف یعقوب بن - امیر المؤمنین ابویوسف بن عبدالؤمن بن علی در سرزمین افریقیه و مغرب و اندلس مدرسی بنا کرد و مسئولانی از فقها و ... بر آن گماشت که در آن زمان زینت‌الدهر شد و عزت اسلام را بالا برد.^۷ نام عبدالؤمن و نوه‌اش یعقوب منصور هر دو در ساخت مدارس این عصر مشهور است. عبدالؤمن مدرسی در مراکش ساخت.^۸ ابویوسف نیز در مراکش مدرسه‌ای ساخت و اسمش را مدرسه ابن یوسف گذاشت؛ البته بعضی معتقدند که مؤسس آن مدرسه علی بن یوسف - بن تاشفین مرابطی بود. چرا که سلطان مرینی ابویوسف بوده است.^۹

۱ همان، صص ۱۲۱-۱۲۲؛ حسن السائح، همان، ص ۳۶.

۲ عبدالهادی التازی، همان جا.

۳ همان جا.

۴ ابوالحسن علی بن عبدالله بن ابی زرع فاسی (۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م)، الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس، الرباط: المطبعة الملكية، ص ۲؛ احمد بن یحیی الونشیری (۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م)، معیار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و اندلس و المغرب، به کوشش محمد حجی و دیگران، ج ۷، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ص ۲۱۰؛ مری - عبدالسلام بن عبدالقادر بن سوده (۱۹۶۰-۱۹۶۵ م)، دلیل المورخ المغرب الاقصی، ج ۲، دارالبیضاء: دارالکتاب، ص ۱۰۲.

۵ ابن ابی زرع فاسی، همان، ص ۱۵۴؛ محمد المنونی [بی تا]، ص ۲۰۹.

۶ محمد المنونی (۳۶۹ ق/ ۱۹۵۰ م)، العلوم و الفنون علی عهد الموحدين، تطوان: مطبعة المهدیه، صص ۲۰-۲۱.

۷ ابن ابی زرع فاسی، همان، ص ۵۲.

۸ التعارجی السلاوی، همان، ج ۳، ص ۴۷؛ و المنونی، همان، صص ۲۰-۲۱.

۹ ابوالحسن علی بن عبدالله بن ابی زرع فاسی (۳۹۲ ق/ ۱۹۷۲ م)، الذخیره السنیه فی تاریخ الدوله المرینیه، الرباط: دارالمنصور الطباعه والوراقه، ج ۲، ص ۱۰۰؛ المنونی [بی تا]، ص ۱۹۹.

به نظر می‌رسد مدارسی که موحدون بنا کردند، سه نوع بوده است: مدارس عمومی برای کار و دانش آموختن به کارگزاران موحدون و تشکیل کادر اداری برای دستگاه آنان.^۱ مدارسی که مخصوص آموزش امرای موحدی بود که با تعالیمش امرا را با روش خاصی آماده می‌کرد تا اوقات فراغشان کاهش یابد و اهداف بلندی در سر پیروانند؛^۲ و در نهایت مدرسه‌هایی که در شهر رباط، فن دریانوردی آموزش می‌دادند و شاید این گونه مدارس نخستین نوع از مدارس آموزش دریانوردی در جهان اسلام بوده باشند.^۳

در عین حال، عده‌ای نیز منکر تأسیس مدارس توسط موحدون هستند و معتقدند که ساخت نخستین مدارس مغرب از مظاهر علمی بنی‌مرین است. «غنیمه» گزارش ابن‌ابی‌زرع را که در ذیل اخبار یعقوب بن عبدالمؤمن منصور موحدی (م: ۵۹۵ هـ) آورده است، انکار می‌کند و می‌گوید: درست نیست که او در بلاد افریقیه و مغرب و اندلس مدارسی ساخته باشد. نظر غنیمه بر این است که در دیگر مصادر تاریخی اخباری دال بر تأیید گفته ابن‌ابی‌زرع دیده نمی‌شود. از طرفی اگر یعقوب موحدی یا دیگر سلاطین موحدون مدارسی در آن دیار تأسیس کرده بودند، این مدارس برای روزگاران پس از ایشان هم بایستی به یادگار می‌ماند و معقول نیست که آثار این قبیل تأسیسات بلافاصله محو و نابود شده باشد. زیرا زمان بین درگذشت یعقوب موحدی، تا روی کار آمدن دولت مرینی، به یک سده هم نمی‌رسد و این مدت برای محو آثار این مدارس به صورتی که در دوره‌های بعد اثری از آن نماند، کافی نیست و امثال این مؤسسات غالباً و علی‌رغم دگرگونی‌های سیاسی به قدمت و قدرت دوام ممتاز است و این نظر، به دلیل اتکای حیات مالی این مؤسسات بر نظام وقف و نیز استحکام بنیان ساختمان آن بناها، موجه می‌نماید.^۴

البته می‌دانیم که موحدون در مغرب به نشر قرائت خاصی از اسلام و دعوت به آن می‌پرداختند و لذا اگر در این منطقه دست به تأسیس مدارس هم زده باشند، با هدف نشر تعلیم مفاهیم جدید خود، و یا چنان که گفته شد، به منظور آماده کردن نیروها برای مناصب اداری یا نظامی خویش بوده است. بنابراین ممکن است مدارسی که توسط موحدون ساخته شده، مدارسی

۱ محمدعادل عبدالعزیز (۱۹۸۷م)، *التربیة الاسلامیة فی المغرب اصولها المشرقیة...*، القاهرة: الهيئة المصریة العامة للكتاب، ص ۶۸.

۲ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۱۴۳.

۳ عثمان الکعاک (۱۹۶۵م)، *الحضارة العربیة فی حوض البحر الابيض المتوسط*، [بی‌جا]. جامعة الدول العربیة، معهد البحوث و الدراسات العربیة، ص ۵۵.

۴ محمدعبدالرحیم غنیمه (۱۳۷۲ش)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نوره کسایی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۰۷.

به مفهوم خاص بوده که هدف فرهنگی معینی داشته است؛ نه مدارسی از آن گونه که در عصر بنی مرین مشاهده گشته‌اند.

مهم‌ترین مدارس مغرب در دوره بنی مرین

با آغاز عصر بنی مرین، شاهد ساخت گسترده مدارس در سراسر مغرب هستیم که بسیاری از آن‌ها مشهور و ماندگار شدند. ساختن مدرسه در عهد مرینی‌ها تنها در پایتخت - فاس - صورت نمی‌گرفت، بلکه در دیگر شهرهای مغرب هم رخ می‌داد. بدیهی است در این مدارس علاوه بر ادبیات عربی به عنوان ابزار ورود به علوم اسلامی، دیگر علوم شرعی نیز، همچون فقه و عمدتاً فقه مالکی، حدیث، تفسیر، علم قرائت و علم کلام، در سطوح مختلف تدریس می‌شد. مدارسی که در نقاط دوردست واقع بودند، عموماً به مباحث اولیه و پایه‌ای در این علوم اکتفا می‌کردند و آموزش در سطوح بالاتر و عالی‌تر در مدارس شهرهای بزرگ مغرب متمرکز بود. در اینجا مهم‌ترین مدارس تأسیس شده در این دوره را مرور می‌کنیم:

مدرسه الحفاوین: نخستین مدرسه‌ای که بنومرین در مغرب ساختند، مدرسه حفاوین در شهر فاس در سال ۶۷۰ هـ/۱۲۷۱ م بود،^۱ که به مدرسه صفاریین نیز شهرت داشت؛ چرا که در نزدیکی بازاری بود که در آن نحاس اصفی - فلز برنج - درست می‌کردند. در سندهای وقعی قدیم، این مدرسه به نام حفاوین است. همچنین به نام مدرسه «یعقوبیه» نیز مشهور بوده است. از زمان تأسیس این مدرسه اوقاف زیادی به آن اختصاص دادند که برای حاجات و خواسته‌ها و هزینه‌های طلاب و مجالس علمی صرف می‌شد.^۲ سلطان به دانشجویان آن مستمری می‌داد و بعدها کتابخانه‌ای به آن ملحق کردند و دست نوشته‌هایی که پادشاه قشتالی، یعنی سانچو، به آن‌ها تسلیم کرده بود بر آن وقف نمودند.^۳

مدرسه القاضی: امروزه به نام مدرسه القیلالیه معروف است و دلیل این انتساب را نیز گفته‌اند که در آن مدرسه طلاب اهل تافیلالت ساکن شدند.^۴

۱ عبدالرحمن بن خلدون حصر می (۱۴۰۸/۱۹۸۸ م)، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر، ج ۷، بیروت: دارالفکر، ص ۲۱۰؛ الجزنانی (۱۴۱۱/۱۹۹۱ م)، جنی زهرة الاس فی بناء مدینة فاس، الرباط، المطبعة المکیه، ج ۲، ص ۷۴؛ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۵۴.

۲ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳ ابن خلدون، همان، ج ۷، ص ۲۱۰؛ و الجزنانی، همان، صص ۷۴، ۷۵؛ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۵۴.

۴ ابن‌غازی المکناسی، همان، ص ۳۴.

مدرسهٔ مدینه البیضاء یا فاس جدید. سلطان ابوسعید دستور ساخت این مدرسه را در شهر فاس جدید، که پایتخت جدید بنی‌مرین بود، در سال ۷۲۰ صادر نمود^۱ که بنای آن در سال ۷۲۱ تکمیل شد. سپس در آنجا آغاز به تدریس شد.^۲

مدرسهٔ عطارین. سلطان ابوسعید ساخت مدرسهٔ عظمی یا عطارین در فاس را سال ۷۲۳ هـ ق/۱۳۲۳ م صادر کرد^۳ که بنای آن در سال ۷۲۵/۱۳۲۴-۱۳۲۵ تکمیل شد. این مدرسه به علت آن که روبروی بازار عطارین بنا شده بود، مدرسهٔ عطارین نام گرفت و شیخ عالم ابو محمد- عبدالله بن قاسم المزوار بر ساختن آن نظارت کرد و خود سلطان، هنگام آغاز ساختمان آن حضور یافت و سنگ بنای اولیه‌اش را به دست خود به زمین نهاد.

مدرسهٔ صهریج. امیر ابوالحسن بن ابوسعید که در زمان سلطنت پدرش ولیعهد او بود، مدرسهٔ صهریج فاس را بنا کرد و آب چشمه‌ای خارج از باب الحدید را - که یکی از ابواب خاص بود - به سوی آن جاری نمود. او بر آن مدرسه اموال زیادی انفاق کرد که بیش از صد هزار دینار بود و باغ‌های زیادی بر آن وقف نمود. این مدرسه را مدرسهٔ الکبری نیز نامیده‌اند. جامع اندلس در جانب غربی این مدرسه واقع بود؛ از این رو، به آن مدرسهٔ اندلس هم می‌گفتند. در پیرامون آن آبخوری و وضوخانه و مسافرخانه‌ای برای اقامت دانشجویان وجود داشت.^۴

مدرسهٔ سبعین. محلی بود برای آموزش قرائت‌های هفت گانهٔ قرآن کریم. این مدرسه در منابع قدیم‌تر به مدرسهٔ استادان و همچنین مدرسهٔ صغری هم نامیده شده است.^۵ ابوالحسن- مرینی در زمان ولیعهدیش (۷۲۰ هـ ق/۱۳۲۱-۱۳۲۲ م) شروع به ساخت آن کرد و در ربیع‌الاول سال ۷۲۳ ق/۱۳۲۳ م بنای آن ساختمان را تکمیل نمود، و همچنین کتابخانه‌ای برای آن ساخت.^۶

مدرسهٔ جامع کبیر در تازا. ابن مرزوق در مورد این مدرسه گفته است: «ابوالحسن در زمان ولایتعهدیش در شهر تازا مدرسه‌ای نیکو ساخت».^۷ همچنین وی در این شهر مدرسهٔ الحسنه را

۱ ابن‌ابی‌زرع فاسی (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، ص ۲۹۹: المنونی [بی‌تا]، ص ۱۹۷.

۲ المنونی، همان، ص ۱۹۷.

۳ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۳۰۰.

۴ همان، ص ۲۸۰.

۵ المنونی، همان، ص ۱۹۷.

۶ همان، ص ۲۱۰.

۷ ابن‌مرزوق، همان، ص ۴۰۵.

بنا کرد.^۱

مدرسه عظمی در مراکش. ابوالحسن مرینی پس از بر تخت نشستن در مغرب، در شهر مراکش روبه روی جامع ابن یوسف مدرسه بزرگی بنا کرد. سلاوی می گوید: «هر کسی بر این مدرسه درنگ کند و تزیینات و تجملات آن را مشاهده کند به قدر سلطان و همت بلند و علاقه اش به علم و اهل علم بی می برد».^۲

مدرسه الوادی. این مدرسه پایین تر از جامع اندلس در شهر فاس قرار داشت. به قول ابن مرزوق، ابوالحسن مرینی آن را ساخته است و البته تاریخ دقیق بنای آن معلوم نیست.^۳ بجز او، جزنانی هم اشاره کرده که این مدرسه در سال ۷۲۵ ق/ ۱۳۲۴-۱۳۲۵ م موجود بوده است.^۴

مدرسه مصباحیه. این مدرسه را سلطان ابوالحسن در سال ۷۴۲ ساخت؛ در داخل جامع قرویین واقع بود و وجه تسمیه اش بدین قرار بود: هنگامی که سلطان ابوالحسن آن را ساخت، فقیهی به نام ابوالیضاء مصباح بن عبدالله الیاصولتی را عهده دار تدریس آنجا کرد. به سبب کاربرد گسترده سنگ رخام در بنایش، آن را مدرسه رخام نیز نامیده اند.

البته این ها که نام برده شد، تمام آن مدارس نیست که سلطان ابوالحسن بنا کرد، بلکه وی در همه شهرها، از جمله مکناسه، طنجه، سبتة، انفا، از مور، اسفی، اغمات، قصر الکبیر و جزائر نیز مدرسه ساخت.^۵

مدرسه عنانیه. در زمان سلطان ابو عنان (۷۴۹-۷۶۰ ه ق/ ۱۳۴۸-۱۳۵۹ م) بزرگ ترین مدرسه مغرب ساخته شد. او این مدرسه را در سال ۷۵۱ بنا نهاد، به نام خود وی شهرت یافت و تا به امروز پیوسته باقی مانده است.^۶ او خود سلطانی عالم، شاعر و ملازم علما بود. او عالم به منطق و اصول دین، و از علوم عربی، مثل حساب بهره مند، و حافظ قرآن و آگاه به ناسخ و منسوخ، و حافظ حدیث، و مطلع از رجال حدیث، و نیز نویسنده ای توانا بود.^۷

مدرسه عنانیه از مدرسه های متفاوت و از برجسته ترین انواع مدارس محسوب می شود. از

۱ همان، ص ۲۷۳.

۲ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۸۶.

۳ ابن مرزوق، همان، صص ۴۰۵-۴۰۶.

۴ الجزنانی، همان، صص ۳۷-۳۸؛ المنونی، همان، ص ۱۹۸.

۵ ابن مرزوق، همان، ص ۲۷۳.

۶ عنیمه، همان، ص ۱۱۴.

۷ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۱۰۱.

ویژگی‌های ممتاز این مدرسه این است که دارای اتاق‌های بزرگی است که فقط مخصوص سالن اجتماعات و کلاس درس است. از همان آغاز نیز اماکنی برای اقامت طلاب در نظر گرفته شده بود.^۱

ابوعنان در سال ۷۵۶ مدرسه دیگری ساخت؛ یا در واقع بنای مدرسه‌ای را که ابوالحسن در شهر مکناس آغاز کرده بود، به اتمام رسانید. این مدرسه نیز به نام مدرسه عنانیه معروف شد؛ یعنی به ابوعنان که بنای آن را به اتمام رسانید، نسبت داده شد.

مدرسه پزشکی. از زمانی که بنی‌مرین زمام امور را در مغرب اقصی به دست گرفتند، بر تأسیس بیمارستان‌ها یا مدارس طب نظری اهتمام داشتند. مغرب در عصر بنی‌مرین از نظر طبی دو نوع آموزشگاه داشت: ۱. مدارس طب نظری؛ ۲. بیمارستان‌ها، که بیشتر جنبه عملی داشتند. گرچه آن‌ها بر تأسیس مدارس طب نظری اهتمام می‌ورزیدند، اما بجز مدرسه بزرگی که سلطان ابوالحسن در شهر سلا بدین منظور ساخت، مورد دیگری مشاهده نمی‌شود. تخصص این مدرسه بزرگ در علوم طبی بود.^۲

اما در مورد بیمارستان‌ها این‌گونه نیست و ما گزارش‌های متعددی در دست داریم. سلطان یعقوب بن عبدالحق - نخستین سلطان بنی‌مرین - بر تأسیس بیمارستان‌ها و تعیین پزشکان برای آن‌ها بسیار مصر بود.^۳ دیگر سلاطین بنی‌مرین نیز از او پیروی کردند و بیمارستان‌هایی ساختند. سلطان یوسف بن یعقوب بیمارستانی در تلمسان ساخت.^۴ همان‌طور که سلطان ابوالحسن مرینی در فاس بیمارستانی ساخت.^۵ او همچنین به ترمیم یکی از بیمارستان‌هایی پرداخت که در نزدیک قیساریه فاس قرار داشت. اداره این بیمارستان‌ها زیر نظر دولت تعیین می‌شد، چنان‌که در این راستا سلطان ابوعنان مرینی اداره بیمارستان فاس را به محمد بن قاسم بن ابوبکر قرشی مالمی سپرده بود.^۶ همچنین بنایی که نام مدرسه الجامع الکبیر به آن اطلاق شده، به عنوان بیمارستان العزیزی المرینی شناخته شده است. بیمارستان العزیزی منسوب به مؤسس آن سلطان ابوفارس

۱ روجیه لوتونو (۱۹۶۷م)، فاس فی عصر بنی‌مرین، ترجمه نیکولا زیاده، بیروت-نیویورک: نشر بالاشترک مؤسسه فرنکلین للطباعة والنشر ص ۴۴.

۲ عبدالهادی التازی، همان، ص ۳۵۷؛ عادل عبدالعزیز، همان، ص ۷۳.

۳ ابن ابی زرع فاسی (۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م)، ص ۱۰۰.

۴ ابن خلدون، همان، ج ۷، ص ۲۲۱.

۵ ابن مرزوق، همان، ص ۲۷۶.

۶ ابن قاضی، همان، ص ۱۹۱.

عبدالعزیز بن علی بن عثمان المرینی است و تاریخ بنای آن به سده هشتم هجری قمری بازمی‌گردد.^۱ این بیمارستان‌ها از لحاظ آموزش طب ممتاز بودند و در زمینه شناخت بیماری‌ها و داروها و درمان بیماری‌های صعب‌العلاج مفید واقع می‌شدند.^۲

امکانات و خدمات مدارس به طلاب

بنومرین در مغرب از نخستین کسانی بودند که به پذیرش طلاب علم از دیگر نقاط مملکت خود، غیر از پایتخت، توجه می‌کردند. مدارس موحدون چنین شرایطی فراهم ساخت. سلاطین مرینی برای هر طلبه بر مبنای مدت تحصیل علم حق سکونت در نظر می‌گرفتند تا مبادی ضروری را در علوم و فنون مختلف بیاموزد. طلاب و اساتید و کارکنان این مدارس از اموال اوقافی بسیاری که بر آن‌ها می‌بخشیدند، استفاده می‌کردند.^۳ سلاطین، برای استادان و شاگردان مدارس حقوق ماهیانه‌ای اختصاص می‌دادند. دولت هر آنچه در طول سال‌های تحصیل برای شاگردان و استادان لازم بود، فراهم می‌آورد و آنان را از حق سکونت رایگان برخوردار می‌کرد و بر عالمان این مدارس حقوق دائمی جاری می‌ساخت.

اوقافی که سلاطین به مدارس و طلاب اختصاص می‌دادند، برای گذران زندگی شمار زیادی از استادان و دانشجویان کافی بود و لذا تعداد بسیاری دانشجو به این مدارس روانه می‌شدند و به انواع علوم می‌پرداختند.^۴ موقعیت راهبردی شهرهای فاس و تلمسان باعث شده بود که مراکز علمی و آموزشی این دو شهر برجسته‌تر و باشکوه‌تر از دیگر شهرها باشد؛ به همین دلیل بعضی از این مدارس تا به امروز باقی مانده‌اند.

سلاوی می‌گوید: «در طول اعصار هیچ سلطانی مثل (مدرسه عطارین) مدرسه‌ای نساخت. او (سلطان ابوسعید) بر آن چشمه‌های بسیاری جاری کرد و فقهای برای تدریس علم تعیین کرد و دانشجویانی در آنجا اسکان داد و برای آنجا امام جماعت و مؤذن و خادمی فرستاد تا اوامر او را اجرا کنند و برای هر یک از آن‌ها حقوقی تخصیص داد و املاکی خرید و به امید پادشاه از خدای تعالی بر آن وقف کرد».^۵ و یا صاحب الانیس المطرب می‌نویسد: «سلطان ابوالحسن بر

۱ عبدالعزیز السالم سحر السیدایی تا، مدینه الرباط فی التاریخ الاسلامی، قاهره: الازهر، شباب الجامعه، ص ۱۴۷.

۲ غنیمه، همان، ص ۱۱۸.

۳ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۵۶.

۴ عبدالقادر زمابه (۱۹۷۷م)، «بنومرین بفاس»، مجله البیث العلمی، س ۱۴، ش ۲۷، ص ۲۷۲.

۵ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۵۴؛ ابن‌ابی‌زرع فاسی (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، ص ۲۸۱.

مدرسه صهریح اموال زیادی انفاق کرد که بیش از صد هزار دینار بود و باغ‌های زیادی بر آن وقف نمود و در اطراف آن آبخوری و وضوخانه و مسافرخانه‌ای برای اقامت دانشجویان ساخت.^۱

از افتخارات آموزشی دولت بنی‌مرین اختصاص خوابگاه برای دانشجویان بود. نظام خیریه امکان آن را فراهم می‌کرد که طلبه تا پایان دوره آموزشی‌اش، در آنجا اسکان یابد. این نوع امکانات باعث شد طلاب بسیاری از سرزمین‌های مختلف مغرب برای فراگیری دانش به این منطقه روانه شوند.

این مدارس برای هر دانشجوی بیگانه و غریبی اتاقی در نظر می‌گرفت، تا جایی که حتی بعضی مدارس بیش از صد اتاق داشت. مثلاً مدرسه مصباحیه فاس دارای ۱۷۰ اتاق بود.^۲ با افزایش شمار دانشجویان، هر اتاق برای دو یا سه دانشجو و هر تعداد که ظرفیت داشت، اختصاص می‌یافت. امکانات رفاهی و بهداشتی در این اماکن به گونه‌ای بود که دانشجو از حضور در حلقه‌های درسی و مطالعه کتاب‌ها و آماده‌سازی درس‌هایش باز نماند و بر اثر این دشواری‌ها و مسائل مادی دیگر به سختی نیفتد.^۳

این خوابگاه‌ها صرفاً در اختیار دانشجویان قرار نمی‌گرفت، بلکه عالمان و استادان و مربیان هم در آنجا اقامت می‌کردند و لازم نبود استاد برای تدریس در مدرسه به تردد بپردازد، بلکه گاه در همین مکان سکونتش و گاه در جاهای دیگر تدریس می‌کرد.^۴

مدت اقامت دانشجویان در این اقامتگاه‌ها محدود و مشخص بود. زمان اقامت مجاز در بسیاری از مساجد جامع تا ۱۶ سال، و در برخی شهرها همچون تونس تا ۱۵ سال تعیین شده بود.^۵

علاوه بر این خدمات، امرا برای مراقبت مسئولانی هم به کار می‌گماشتند.^۶ استخدام افراد برای خدمت در مدارس این گونه بود: امامی برای نماز و اذان و برپاداشتن آن، کسی برای

۱ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۲۸۰.

۲ اندریژولیان (۱۹۷۸م)، تاریخ آفریقا شمالیه، ترجمه محمد مزالی و البشیر بن سلامه، ج ۲، تونس: دارالتونسیه، ص ۲۴۱.

۳ محمدلواح (۱۴۱۲ق)، «مراکز التعليم فی عهد بنی‌مرین»، مجله قرآن و حدیث، دارالحدیث الحسنیه، ش ۹، ص ۴۳۹.

۴ غنیمه، همان، ص ۳۴۳.

۵ ابن‌خلدون (۱۳۷۵ش)، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۸، ص ۳۹۸.

۶ عبدالقادر زمامه، همان، ص ۲۷۲.

روشن کردن چراغ‌ها، و یک نگهبان که بر کتابخانه و مدرسه نظارت کند.^۱

معماری مدارس بنی مرین

شکل مدرسه در مغرب به طور عام به صورت مستطیل بود و در وسط صحن آن حوض بزرگی از آب قرار داشت و در ضلع کوچک آن جایگاهی برای تدریس و در ضلع بزرگ آن مسکن و خوابگاه‌های دانشجویان مشاهده می‌شد و یک نمازخانه کوچک نیز برای ادای نماز وجود داشت.^۲ طرح و نقشهٔ مدرسه با مسجد متفاوت بود و بستگی به اهدافی داشت که برای آن ساخته می‌شد.

سبک مدارس مغرب با سبک مدارس در شرق متفاوت بود، در مغرب جایگاهی برای تدریس بود؛ ولی در شرق دو یا چهار جایگاه برای این منظور وجود داشت، چرا که در مغرب همگی از مذهب مالکی پیروی می‌کردند؛^۳ به این ترتیب، به جایگاه‌های دیگری برای تدریس سایر مذاهب نیازی نبود. بعضی مدارس که مرینی‌ها ساختند، متفاوت است. مثل مدرسهٔ صفارین با وسعت کم نظیرش، و مدرسهٔ مصباحیه که ۱۷۰ غرفه و سایبانی زیبا از چوب منقوش و همچنین دهلیز ورودی داشت؛ ورودی‌های مصلاهی آن نیز متفاوت بود.^۴ ابن مرزوق که خود شاهد ساخت مدارس بنی مرین بوده می‌گوید بنا و معماری مدارس، مثل معماری دیگر بناهاست؛ اما در این بنا نقش‌ها و تزیینات و ادوات مختلف از جنس سفال و سنگ مرمر و چوب‌های محکم به طور خاص وجود دارد.^۵

در دورهٔ مرینیان بسیاری از هنر کاران اندلسی به مغرب مهاجرت کردند و همانان پوشاندن دیوارها با گچبری را باب کردند و برای انجام گرفتن این منظور گچبری را در سطوح مختلف به کار می‌بردند، به طوری که به نظر می‌رسید تزیین از چندین لایه از اشکال مشبک سوار بر یکدیگر تشکیل شده است. با این شیوه سختی و سنگینی دیوارها گرفته می‌شد و

۱ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۳۰۰.

۲ ژولیان، ج ۲، همان‌جا.

۳ الفردبیل (۱۹۸۷م)، الفرق الاسلامیه فی الشمال الافریقئی...، ترجمه عن الفرنسیة عبدالرحمن بدوی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ص ۳۲۲.

۴ ژولیان، ج ۲، همان‌جا.

۵ ابن‌مرزوق، همان، ص ۲۷۳.

دیوارها به سبکی جدار خیمه‌ها به نظر می‌رسید.^۱
 از زیباترین مدارس این دوره می‌توان مدرسه العطارین (۷۲۲-۷۲۶هـ/ق ۱۳۲۳-۱۳۵۰م) و
 عنانیه (۷۵۱-۷۵۹هـ/ق ۱۳۵۰-۱۳۵۷م) را در فاس، و مدرسه ابوالحسن (۷۴۲هـ/ق ۱۳۴۱م) را
 در سلا نام برد.

در مدرسه عنانیه سطح هر چهار نمایی که به طرف صحن مدرسه باز می‌شود، با تزیینات
 بسیار ظریف پوشیده شده است. سطح زیرین با کاشی‌های لعابی (زلاجه) پوشانده شده است.
 قسمت مرکزی دارای کنده کاری‌های گچی است و قسمت بالایی را نیز کنده کاری‌های چوبی
 فرا گرفته است. تابلوهایی با تزیین گل در کنار تابلوهایی قرار گرفته‌اند که اشکال هندسی و
 حواشی کتیبه مانند روی آن‌ها نقش بسته است.^۲ ابن بطوطه در مورد مدرسه عنانیه می‌گوید:
 «من نه در سوریه و نه در مصر و نه در عراق و نه در خراسان مانند آن ندیدم».^۳

نقشه مدارس و زاویه‌ها، شباهت زیادی به هم دارند: بنایی با یک صحن مرکزی که
 پیرامون آن را تالارهایی فرا گرفته و نیز یک نمازخانه و تعدادی اتاق برای اسکان طلاب در
 طبقات مختلف ساختمان.^۴

روبه‌روی در ورودی مدرسه عطارین صحن مدرسه و در طرف راست طبقه بالای آن
 غرفه‌های طلاب و در طرف چپ دار الوضوء و در مقابل آن اتاق‌های درس قرار دارد. این
 مدرسه همان طور که از شرح زندگی شیخ ابن العباس بن البنا المراكشی (م: ۷۲۳هـ/ق) در زمان
 ورودش به شهر فاس می‌توان فهمید، و نیز از شرح حال شیخ المکودی (م: ۸۰۷هـ/ق) و شرح
 حال ابن الفتوح (م: ۸۱۸هـ/ق) برداشت می‌شود، محل تدریس درس‌های فقه و نحو بوده است.^۵
 ساختن مدرسه عنانیه هفت سال طول کشید. این بنا نقطه آغازی در فن عمارت‌سازی
 گردید و نمونه خوبی برای بنای ساختمان‌های مرینی شد.^۶ در ساخت این عمارت نقوشی بر گچ
 و چوب حک کرده بودند، به طوری که هیچ یک از دیوارها و سقف آن خالی از نقش به
 نظر نمی‌رسید، حتی درهای آن هم نقوشی داشت. جنس درهایش چوب در پوشش برنز و با

۱ تیتوس بورکهارت(۱۴۸۹ش)، فاس شهر اسلام، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: انتشارات حکمت، ص ۱۲۷.

۲ ژوزف بورلو(۱۳۸۶ش)، تمدن اسلامی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: انتشارات آستان قدس، ص ۲۱۰.

۳ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۶۰.

۴ عبدالقادر زمامه، همان، ص ۲۷۲.

۵ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۵۸.

۶ عادل عبدالعزیز، همان، ص ۴۵.

کمال مهارت ساخته شده بود. درهای ورودی آن تزیینات مخصوص داشت. حاشیه‌هایش از عقیق‌های رنگارنگ و کاشی‌هایی با رنگ‌های گوناگون بود؛ همچنین از مرمر دارای رنگ‌های گوناگون استفاده کرده بودند. این فن خاص معماری مرینی‌ها شد که بر بزرگی و عظمت مؤسسان آن می‌افزود. ^۱ صحن مدرسه بسیار وسیع و با مرمر سفید پوشیده شده بود. اطراف حیاط کاشی کاری شده بود و پنجره‌های اتاق به روی گچ کاری حیاط باز می‌شد. در سردر آن کتیبه‌ای بزرگ و مزین به آیات قرآن قرار داشت. ^۲

در انتهای سمت چپ ساختمان مدرسه، مناره بلندی است که از بالای آن می‌توان دیگر مناره‌های شهر را نظاره کرد. این مدرسه تنها مدرسه مناره‌دار شهر فاس است و از دوردست آن را به گونه‌ای یک مسجد نشان می‌دهد. در نمای آن بقایای ساعت آبی فوق‌العاده‌ای دیده می‌شود با سیزده رف تزیینی که بعضی از آن‌ها هنوز جام برنزی خاص زنگ ساعت را دارد. این تدبیر بی‌همتا به فرمان ابوسعید (۷۰۹-۷۳۰ هـ ق / ۱۳۱۰-۱۳۳۱ م) در سال ۷۱۶ / ۱۳۱۷ ارائه و اجرا شد و ابوحنان فارس به دست ابوالحسن علی بن احمد تلمسانی در سال ۷۵۸ / ۱۳۵۶ آن را تعمیر کرد. ^۳ ساعت مذکور در زمانه خود یکی از شگفتی‌های فنی به شمار می‌آمد. ^۴

حسن الوزان در حدود یک سده و نیم پس از زمان ساخت، این مدرسه را مشاهده کرده که تازمان او پیوسته نقش آن حفظ شده بود و زیبایی و جمالش نسبت به ده‌ها مدرسه دیگر که بنای همه آن‌ها به دوران مرینی برمی‌گردد، بیشتر بوده است. ^۵

ساختمان بیمارستان‌ها هم عموماً از صحن مرکزی مربعی شکلی تشکیل شده که با رواق‌هایی در دور تا دور صحن احاطه شده و بنا به طور کلی شبیه مدارس مرینی است، با این تفاوت که نمازخانه ندارد. ^۶

۱ الجزنالی، همان، ص ۷۰.

۲ ابن‌مرزوق، همان، ص ۴۰۵؛ ژولیان، ج ۲، همان‌جا.

۳ الشریف محمدبن جعفر الکتانی (۲۰۰۴ م)، *سلوة الانفاس و محادثة الاکياس*، تصحیح عبدالله الکامل الکتانی، ج ۳، [بی‌جا]: دارالثقافة، ص ۲۲۵؛ الجزنالی، همان، ص ۴۰.

۴ جاناتان بلوم شیلابلر (۱۳۸۱ ش)، *هنر معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت، ص ۳۰۹.

۵ جمعی از مؤلفان (۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۷)، *الابنية الفكرية في الغرب الاسلامي زمن ابن‌خلدون*، به کوشش ناصر البغرانی، الدار البيضاء: مطبعة النجاح الجديد، ج ۱، ص ۲۱، ۲۰؛ الحسن بن محمد الزیانی الوزان (۱۹۷۸ م)، *وصف افریقا*، ترجمه از فرانسه به عربی عبدالرحمن حمیده، المملكة السعودية: نشر مطابع جامعة محمدبن‌سعود، صص ۲۲۴-۲۲۵.

۶ سحر السید، همان، ص ۱۴۷.

علل شکوفایی نهضت مدرسه‌سازی در عصر بنی مرین

نخستین دلیل شکوفایی به اوضاع سیاسی مغرب در این دوره برمی‌گردد. مرینیان بعد از غلبه بر دشمنان داخلی و خارجی، تا حدی قلمرو ثابتی به دست آوردند و اوضاع آرام شد. به دنبال آن در شهرها امنیت عمومی و رفاه ایجاد شد و سلاطین و دولتمردان توانستند به ساختن مدارس بپردازند. آن‌ها حول جامع قرویین که به مثابه یک دانشگاه بود، مراکز فرعی دیگری به وجود آوردند که در آن طلاب بومی و غیربومی به طور یکسان از آرامش برخوردار بودند و به درس و تحصیل می‌پرداختند.

عامل دیگر، تشویق علما و فرهیختگان توسط سلاطین و پرداخت حقوق کافی ماهیانه به علما و طلاب و به خصوص مشورت با آن‌ها در همه امور و مسائل علمی و دولتی و برگزاری مجالس علمی با علما و مجالست با ایشان بود. مانند سلطان ابوالحسن مرینی و فرزندش ابوعنان که دربارشان پیوسته آکنده از علما بود و با آن‌ها مناقشه‌ها و مناظره‌های بسیاری داشتند که در کتاب مسند به آن‌ها اشاره شده است؛^۱ و یا ابویوسف یعقوب بن عبدالحق و ابوسعید که به علم و علما عنایت داشتند و به تشویق آن‌ها می‌پرداختند.

همچنین احداث کتابخانه‌های عمومی دست زدند که برای نخستین بار در مغرب از ابتدای این دوره آغاز شد. در عصر بنی مرین خزائن علمی محدود به قصرها نبود و همه کسانی که مشتاق کسب علم و معرفت بودند، می‌توانستند در کتابخانه‌های عمومی از آن برخوردار شوند. این کتابخانه‌ها در اماکن سهل الوصول، مانند مساجد و مدارس، قرار داشت و سلاطین مرینی به غنای هر چه بیشتر این کتابخانه‌ها طریق اهدا و وقف با ارزش‌ترین کتاب‌ها اهتمام فراوان می‌ورزیدند. ساخت کتابخانه‌های عمومی تنها به پایتخت فاس منحصر نماند، بلکه شماری نیز در بعضی از شهرهای دیگر ساخته شد؛ مثل شهر سبتة که به کثرت کتاب نیز مشهور بود. ساختن کتابخانه‌ها حرکت علمی ایجاد کرد و آموختن و تعلیم و تربیت رایج شد و به توسعه مدرسه‌سازی در سراسر مغرب منجر گردید.

نخستین سلطان بنی مرین، یعقوب بن عبدالحق، تلاش نمود مجموعه کتاب‌های اندلس را از دستبرد غاصبان اسپانیایی حفظ کند. وی برای رسیدن به این هدف آن قدر مصر بود که حتی

۱ ابن مرزوق، همان، صص ۳۶۹-۳۷۳.

۲ المقری التلمسانی (۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م)، نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب و ذکر وزیرها لسان الدین بن الخطیب، تحقیق احسان عباس، ج ۶، بیروت: دار صادر، ج ۶، ص ۲۱۰.

در معاهده صلحی که بین او و اسپانیایی‌ها منعقد شد، یکی از شروط خود را برگرداندن این کتاب‌ها قرار داد. این شرط در قرارداد صلح با سانچو پادشاه مسیحی اسپانیایی در سال ۶۸۴ هجری موجود است.^۱

سلاوی نیز در کتاب استقصا آورده است که سلطان از او خواست کتاب‌های علمی که به هنگام تجاوز به شهرهای اسلامی به دست نصاری غارت شده بود، برگرداند. از جمله کتاب‌هایی که سلطان اسپانیا فرستاد، ۱۳ مجموعه بود که شماری از مصحف‌ها و تفسیرهای قرآن کریم، مانند تفسیرهای ابن عطیه و ثعلبی، و از کتاب‌های حدیثی و شرح‌های آن، مانند تهذیب و استبصار و از کتاب‌های اصول و فروع دین و ادب عربی و غیره، در جزو آن بود که همه به دستور این سلطان به شهر فاس انتقال یافت و آن‌ها را به مدرسه‌ای که بنا نموده بود وقف کرد؛ سپس آن‌ها را از مدرسه به مساجد و بعضی مؤسسات آموزشی دیگر، مثل رباط‌ها و خانقاه‌ها، انتقال داد. این رویه سلطان یعقوب بن عبدالحق توسط فرزندان او دنبال شد.^۲

اما عامل بسیار مهم دیگر در شکوفایی نهضت مدرسه‌سازی در مغرب عصر بنی‌مرین، تخصیص اوقاف بر مراکز علمی و طلاب بود. همه مدارس بنا شده توسط بنی‌مرین، به‌رغم تفاوت‌هایشان از لحاظ وسعت و امکانات، متکی بر وقف و تحصیل در آن‌ها همگانی و رایگان بود. سلاطین تمام امکانات مورد نیاز را برای دانشجویان به وفور مهیا می‌کردند تا آنان هیچ دغدغه‌ای جز تحصیل نداشته باشند.^۳ برتری و قویات آموزشی بنی‌مرین بر دیگر دولت‌ها کاملاً آشکار است،^۴ که تفصیل بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد.

البته رحله علما و مسئله مهاجرت علما به فاس و مغرب، در این دوره نسبت به دوره‌های قبل شدت بیشتری داشت؛ ویژه این که شمار زیادی از علمای اندلس وارد مغرب شدند و حوزه جدیدی از فرهنگ و تمدن اسلامی را در مغرب اسلامی پدید آوردند. علمای مهاجر اغلب به شهرهای سبته و فاس پناه می‌بردند و این شهرها در سایه آن‌ها در زمینه دروس عربی و ادبی نشاطی فراوان پیدا کرد که از آنجا تأثیرشان به دیگر شهرهای مغرب منتشر شد. برای نمونه،

۱ ابن‌خلدون (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، ج ۷، ص ۳۲۰.

۲ شهاب‌الدین احمد بن خالد بن حماد الناصری السلاوی (۲۰۰۷م)، الاستقصاء لخبار دول المغرب الاقصى، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۳۱.

۳ حسن السائح، همان، ص ۳۷.

۴ مزاحم علاوی الشاهری (۲۰۰۱م)، الاوضاع الاقتصادية فی المغرب علی عهد المرینیین، بغداد: دار الشؤون الثقافه العامه، ص ۲۰۳.

اگر العامل اندلسی به دستور مرینی‌ها دعوت نمی‌شد، قواعد اندلسی از بین می‌رفت.^۱ فراخوانی و مهاجرت‌پذیری سلاطین مرینی باعث شد، علاوه بر اندلسی‌ها، گروه‌هایی از دانشمندان شمال آفریقا نیز به سوی آنان روانه شوند و در مغرب اسکان یابند، تا جایی که از اهالی این سرزمین به حساب آمدند. از مشهورترین آن‌ها پیشوای تاریخ ابن‌خلدون، لسان‌الدین بن خطیب، علامه مقرئ الکبیر تلمسانی، ابن‌مرزوق تلمسانی و ابن‌جزی کلی اندلسی نویسنده سفرنامه ابن‌بطوطه و شمار دیگری را می‌توان نام برد.

نتیجه‌گیری

عصر بنی‌مرین، با توجه به اقتدار داخلی اکثر امرای این دولت و نیز نبود رقیب جدی خارجی در سراسر مغرب، دوران ثبات و آرامش این منطقه به شمار آمده است. علم و فرهنگ نیز که برای رشد و اعتلاء محیطی امن می‌جوید، مغرب عصر مرینی را یافت. سلاطین علم دوست و فرهنگ پرور این دولت هم‌قدردان این نعمت بودند و از هیچ کوششی برای اعتلای علمی سرزمین خود دریغ نکردند، که شاخص‌ترین آن نهضت مدرسه‌سازی در سراسر مغرب و توسعه آموزش و علم آموزی در تمام شهرهای مغرب اقصی بوده است.

سلاطین، مدارس و مراکز علمی بسیاری ساختند و به استادان و شاگردان آن‌ها حقوق ماهیانه اختصاص دادند. دولت هر هر آنچه در طول سال‌های تحصیل برای شاگردان و استادان لازم بود، فراهم می‌آورد و آنان را از حق سکونت رایگان برخوردار می‌کرد. مدارس حلقاویین، صهریج، سبعین، عطارین، مصباحیه و عنانیه از مهم‌ترین مدارس این دوره بودند. موقعیت راهبردی شهرهای فاس و تلمسان باعث شد که مراکز علمی و آموزشی در این شهرها برجسته‌تر و باشکوه‌تر باشد، که بعضی از آن مدارس تا به امروز باقی است. برتری مرینیان نسبت به دیگر دولت‌ها در این بود که مداری با درآمدهای وقف برای طلاب ساختند.

علاوه بر ثبات سیاسی و علم دوستی سلاطین مرینی، مهاجرت گسترده علما از مناطق مختلف به‌ویژه از اندلس به مغرب و نیز ساخت کتابخانه‌های عمومی و اختصاص درآمدهای کلان موقوفات به مدارس را از دیگر علل رشد نهضت مدرسه‌سازی در مغرب عصر بنی‌مرین دانسته‌اند.

از این‌رو، گزافه نیست اگر عصر بنی‌مرین را عصر علم و فرهنگ در مغرب سده‌های میانه

۱ المنونی، همان، ص ۲۰۸.

بنامیم؛ دولتی که در زمینه‌های علمی توسعهٔ بسیاری به وجود آورد و این در ساخت مدرسه، ایجاد کتابخانه و تشویق دانشمندان و طلاب علم و تخصیص موقوفات به نفع علم و اختصاص هزینه‌های فراوان به مصالح علما و نویسندگان و طلاب علمی منعکس شده است.

منابع و مأخذ

- ابن ابی زرع فاسی، ابوالحسن علی بن عبدالله (۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م)، *الذخیره السنیه فی تاریخ الدوله المرینیّه*، الرباط: دار المنصور الطباعه والورقه، الطبعة الثانية.
- (۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م)، *الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس*، الرباط: المطبعة الملكية.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون حضرمی (۱۳۷۵ ش)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۸.
- (۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م)، *العبر و دیوان المتبدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر*، بیروت: دار الفکر.
- ابن سوده، مرعی عبدالسلام بن عبدالقادر (۱۹۶۰-۱۹۶۵ م)، *دلیل المورخ المغرب الاقصی*، ج ۲، دار البیضاء: دار الکتب.
- ابن عبدالله، عبدالعزیز (۱۹۶۹ م)، مقاله «تاریخ تعلیم اسلامی»، *مجله دعوة الحق*، س ۴، ش ۱، صص ۵۳-۵۸.
- ابن غازی، محمد بن محمد العثمانی المکناسی (۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۹ م)، *الروض الهتون فی اخبار مکناسه الزیتون*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط: المطبعة الملكية، الطبعة الثالثة.
- ابن القاضی، احمد بن محمد المکناسی (۱۹۷۳ م)، *جئوة الاقتباس فی ذکر من حل من اعلام مدینه فاس*، رباط: دار المنصور للطباعة و الوراقة.
- ابن مرزوق، محمد بن احمد بن محمد (۱۹۸۱ م)، *المسند الصحیح الحسن فی مآثر مولانا ابوالحسن*، تحقیق ماریا خبوسو بیغیرا، مراجعه محمود ابوعباد، الجزائر: الشركة الوطنیه للنشر و التوزیع.
- بل، آلفرد (۱۹۸۷ م)، *الفرق الاسلامیه فی الشمال الافریقی من الفتح العربی حتی الیوم*، ترجمه عن الفرنسية عبدالرحمن بدوی، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- بلر شیلا، جانانان بلوم (۱۳۸۱ ش)، *هنر معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- بوركهارت، تیتوس (۱۳۸۹ ش)، *فاس شهر اسلام*، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: انتشارات حکمت.
- بورلو، ژوزف (۱۳۸۶ ش)، *تمدن اسلامی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: انتشارات آستان قدس.
- التازی، عبدالهادی (۱۹۷۳ م)، *جامع القرویین المسجد و الجامعه بمدینه فاس*، بیروت: دار الکتب اللبنانی، الطبعة الاولى.
- التعارجی السلاوی، عباس بن ابراهیم (۱۹۹۳ م)، *الاعلام بمن حل مراکش و اغمات من الاعلام*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، الرباط: المطبعة الملكية، الطبعة الثانية.
- الجزنانی، علی (۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م)، *جنی زهرة الآس فی بناء مدینه فاس*، الرباط: المطبعة الملكية، الطبعة الثانية.
- جمعی از مؤلفان (۱۴۲۷ هـ ق / ۲۰۰۷ م)، *الابنیه الفکریه فی العرب الاسلامی زمن ابن خلدون*، به کوشش

- ناصر البعزاتی، الدار البيضاء: مطبعة النجاح الجديدة، الطبعة الاولى.
- زمامه، عبدالقادر (۱۹۷۷م)، «بنومرین بفاس»، مجلة البحث العلمي، س ۱۴، ش ۲۷.
- ژولیان، اندری (۱۹۷۸م)، تاریخ افریقا شمالیه، ترجمه محمد مزالی و الشیرین سلامه، تونس: دارالتونسیه.
- السائح، حسن (۱۹۶۹م)، «الفکر المغربي فی عصر بنی مرین»، مجلة دعوة الحق، مجله شهریه تعنی بالدراسات الاسلامیه و بشؤون الثقافة و الفكر، رباط: وزارت عموم الاوقاف، س ۱۲، ش ۸-۹.
- السيد سحر، عبدالعزيز السالم [بی تا]، مدينة الرباط فی التاريخ الاسلامی، قاهره: الازهر، شباب الجامعه.
- عادل عبدالعزيز، محمد (۱۹۸۷م)، التریبۃ الاسلامیه فی المغرب اصولها المشرقیه و تاثیراتها الاندلسیه، القاهره: الهیئة المصریة العامة للكتاب.
- علاوی الشاهری، مزاحم (۲۰۰۱م)، الاوضاع الاقتصادية فی المغرب علی عهد المرینین، بغداد: دار الشؤون الثقافه العامه.
- غنیمه، محمد عبدالرحیم (۱۳۷۲ش)، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
- الکتانی، الشریف محمد بن جعفر (۲۰۰۴م)، سلوة الانفاس و محادثة الاکياس، مصحح عبدالله الکامل الکتانی، [بی جا]، دار الثقافة.
- الکعاک، عثمان (۱۹۶۵م)، الحضارة العربیة فی حوض البحر الابيض المتوسط، [بی جا]، جامعة الدول العربیه، معهد البحوث و الدراسات العربیه.
- کنون، عبدالله عبدالصمد (۱۹۷۵م)، النبوغ المغربي فی الادب العربي، بیروت: دار الكتاب البنانی، الطبعة الثالثة.
- لواح، محمد (۱۴۱۲ق)، «مراكز التعليم فی عهد بنی مرین»، مجلة قرآن و حدیث، دارالحدیث الحسنيه، ش ۹.
- لوتورنو، روجیه (۱۹۶۷م)، فاس فی عصر بنی مرین، ترجمه نیکولا زیاده، بیروت- نیویورک: نشر بالاشتراک مؤسسه فرنکلین للطباعة والنشر.
- مقری التلمسانی، ابوالعباس احمد بن محمد (۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م)، نضح الطیب من غصن الأندلس الرطب و ذکر وزیرها لسان الدین بن الخطیب، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر، الطبعة السادس.
- المنونی، محمد (۱۳۶۹ق/۱۹۵۰م)، العلوم و الفنون علی عهد الموحدين، تطوان: مطبعة المهديه.
- [بی تا]، ورقات عن حضارة المرینین، رباط: نشر كلية الآداب و العلوم الانسانية مملكة المغربية جامعة محمد الخامس.
- الناصری السلاوی، شهاب الدین احمد بن خالد بن حماد (۲۰۰۷م)، الاستقصاء لخبار دول المغرب الاقصی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- والنشیرسی، احمد بن یحیی (۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م)، معیار المغرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب، به کوشش محمد حجی و دیگران، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- الوزان، الحسن بن محمد الزبانی (۱۹۷۸م)، وصف افریقا، ترجمه از فرانسه به عربی عبدالرحمن حمیده، المملكة السعودیه: نشر مطابع جامعة محمد بن سعود.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ